

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۶)

سیدرضا مشرف^۱

چکیده

قهوه‌خانه‌ها نهادهایی سنتی بودند که در آنها افراد علاوه بر نوشیدن چای (بیشتر قهوه) و برگزاری نوعی دورهمی مردانه، مسائل فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی را با دیگران در میان می‌گذاشتند. در واقع قهوه‌خانه‌ها محلی برای گذران اوقات فراغت مردان و هم‌صحبتی آنان بود و از هر صنف، به این مکان رفت و آمد می‌کردند و اغلب در آن، حضور دایمی داشتند و این حضور را با آویختن نمادی از صنف خود نشان می‌دادند. نانواها، قصاب‌ها، پهلوان‌ها، لوطی‌ها، مرشدها و مشاغل دیگر، با حضور در این مکان مسائل مختلف کاری خود را مطرح می‌کردند. علاوه بر نهادهای صنفی، نقاشی‌هایی نیز بر دیوارهای قهوه‌خانه‌ها آویخته می‌شد که سبک خاصی داشتند و نقاشی قهوه‌خانه‌ای نامیده می‌شدند. قهوه‌خانه‌ها به صورت مردمی و عمومی در دوره صفوی شکل گرفت. این نهاد سنتی در طول زمان، آداب و مناسبات ویژه‌ای را در میان افراد ایجاد کرد که در این مقاله به این ویژگی‌های مردم‌شناختی اشاره شده است. همچنین حضور شاعران، درویشان، نقالان و وعاظ در این مکان‌ها وجه فرهنگی و اجتماعی آن را پررنگ می‌ساخت. مشاغل مرتبط با قهوه‌خانه، فضا و کالبد قهوه‌خانه، واژگان و اصطلاحات قهوه‌خانه‌ای از جمله مباحثی هستند که در این نوشتار به آنها اشاره شده است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و میدانی نگارش یافته است.

کلیدواژه‌ها: قهوه‌خانه، قهوه‌چی، نقاشی قهوه‌خانه، فضای قهوه‌خانه، معماری قهوه‌خانه.

۱. دکتری انسان‌شناسی از دانشگاه سوربن پاریس.

مقدمه

در گذشته نوشیدنی‌ها از گیاهان بومی هر منطقه تهیه می‌شد و قهوه‌نوشی در ایران رواج چندانی نداشت و مصرف آن فقط در دربار مرسوم بود. اما به تدریج این رسم میان برخی اقشار مردم بویژه نخبگان و اعیان رواج یافت و به همین دلیل مکان‌هایی به همین منظور شکل گرفت که به قهوه‌خانه معروف شدند. بعدها که گیاه چای در ایران کشت شد و به صورت انبوه تولید گردید، این نوشیدنی به دلیل احتمالاً فراوانی، جای قهوه را در مکان‌های عمومی و منازل گرفت و تبدیل به نوشیدنی غالب جامعه ایرانی گردید، اما نام قهوه‌خانه‌ها تغییر نکرد و با وجود عرضه نشدن قهوه در آنها، همچنان با نام قهوه‌خانه کارکرد خود را ادامه دادند. این فضاها عمومی محل تجمع مردان بود و زنان در آن حضور نداشتند. در زمان رونق قهوه‌خانه‌ها که در دوره ناصری بود، ادیبان و شاعران در آنجا حضور می‌یافتند و شعرها و نوشته‌های خود را برای حاضران قرائت می‌کردند. همچنین در قهوه‌خانه‌هایی که معروف بودند، نقالان در ساعات خاصی به اجرای برنامه می‌پرداختند و بسیاری از افراد برای شنیدن نقل‌های متنوع که اغلب از شاهنامه بود، هر شب به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند؛ از همین رو قهوه‌خانه‌ها علاوه بر محفلی برای کارهای فرهنگی، جنبه‌های مردم‌شناختی نیز داشتند. همچنین صنوف و مشاغل مختلفی در آنجا حضور می‌یافتند و قرار و مدارهای کاری و اجتماعی خود را در آنجا به نتیجه می‌رساندند. از این لحاظ قهوه‌خانه‌ها نقش اجتماعی مهمی در جامعه مردان آن روزگار ایفا می‌کردند. نقاشی قهوه‌خانه‌ای یکی از عناصر فرهنگی قهوه‌خانه‌ها بود که امروزه نیز نقاشان ولو اندک به این سبک نقاشی می‌کنند. (تصویر ۱) در مقاله چند نمونه نقاشی قهوه‌خانه‌ای برای آشنایی خوانندگان با این نوع نقاشی آورده شده است.

قهوه‌خانه در ایران

قهوه‌خانه‌ها که در گذری نه چندان بلند از روزگار، بسیاری از مسائل روز در آن مطرح، بررسی و حل و فصل می‌شد، مکانی بود که به همه مردم کوچه‌بازار تعلق داشت و در واقع تمامی اقشار جامعه در روزگار شکوفایی این گونه اماکن، به آن رفت و آمد داشته‌اند.

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۳۳

شماره ۶۰ بهار ۱۳۹۹

چایخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها چه درون شهرها و چه در سرراه‌ها و نیز منزلگاه‌های مابین شهرها، مکانی با جذابیت‌های ویژه خود بودند که برای گذران اوقات فراغت نیز مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در نظری اجمالی به واژه «قهوه‌خانه» می‌توان دریافت که قهوه‌خانه محلی بوده است که در آن قهوه می‌نوشیدند، ولی پس از رواج چای، نوشیدن قهوه منسوخ شد، اما نام قهوه‌خانه همچنان بر روی این اماکن باقی ماند. هر چند در بعضی از نقاط به این محل‌ها چایخانه هم می‌گویند. در فرهنگ دهخدا ذیل کلمه قهوه‌خانه آمده است: جایی که در آن قهوه می‌پزند و چای دم می‌کنند. جایی که در آن قهوه و چای درست کنند و بفروشند. در فرهنگ لغات آمده است که قهوه‌خانه جایی است که در آن قهوه می‌پزند (نفیسی، ج ۴: ۱۳۴۳: ۲۷۲۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۷۱۲). فرهنگ معین، قهوه‌خانه را جایی که قهوه و چای در آن دم می‌کنند و می‌فروشند معرفی کرده است (۱۳۸۶: ۲۷۵۷). این تعریف‌ها با توجه به خصوصیات قهوه‌خانه‌ها در ادوار گذشته داشته‌اند، ممکن است تعاریف جامع و روشنی نباشند؛ زیرا قهوه‌خانه‌ها جایی بودند که تمامی اقشار مردم به آن رفت و آمد داشته و بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی، هنری و حتی اقتصادی در آنها حل و فصل می‌شده است.



تصویر ۱. از راست به چپ: استاد جهان اینانلو، استاد محمد حمیدی و پژوهشگر

به نظر می‌رسد قهوه‌چی‌گری، یکی از مشاغل رسمی و شناخته شده در جامعه ایران بوده است و از لحاظ نوع و چگونگی کار و وظایفی که به عهده داشته‌اند، به چهار دسته تقسیم می‌شدند:

- الف) قهوه‌خانه‌های درون شهرها که در هر کوی و برزنی وجود داشت و افرادی چون «قندچی»، «استکان‌دار»، «قلیان چاق‌کن» و «دیزی‌پز» در آن خدمت می‌کردند.
- ب) قهوه‌خانه‌های خصوصی که مخصوص اعیان و درباریان بود.
- ج) قهوه‌چی‌های ایام خاص مانند روزهای عزاداری، مجالس عروسی و بازگشت حجاج از سفرهای زیارتی.
- د) قهوه‌چی‌های دوره‌گرد که در کوچه و بازار می‌گشتند و به مردم قهوه و چای عرضه می‌کردند.

لازم به یادآوری است که علاوه بر قهوه‌خانه‌ها که محل گذراندن اوقات فراغت مردمان بوده است، حمام‌های عمومی نیز مکان مناسبی برای ارتباط با دیگران بود و بسیاری از مردم شهری در حمام‌ها با آدابی خاص، ساعاتی را صرف دیدار با یکدیگر می‌کردند. از این رو در این اماکن نیز قهوه‌خانه‌های کوچکی وجود داشت که در آن یک قهوه‌چی و یک نفر قلیان‌دار، از مشتریان با چای، قهوه و قلیان پذیرایی می‌کردند. نکته بسیار جالب این است که بسیاری از اصناف که در دوران شکوفایی و توسعه قهوه‌خانه‌ها در این مکان حضور پیدا می‌کردند، علایم مربوط به صنف خود را بر دیوارهای قهوه‌خانه می‌آویختند و به این طریق صنف خود را مشخص می‌ساختند. طریقه آویختن این علایم به این ترتیب بود که ابتدا علامت مخصوص یکی از اصناف را به دیوار قهوه‌خانه نصب می‌کردند و سپس بین نشان صنف اول و دوم قطعه‌ای پوست بره یا آهو می‌گذاشتند که بدین ترتیب این علایم از هم جدا و متمایز می‌شد. صرف نظر از ورود اشخاصی از طبقات ممتاز جامعه به قهوه‌خانه‌ها، هفده صنف که دارای علایم مخصوص بودند، در قهوه‌خانه‌ها علامت صنف خود را می‌آویختند که این علایم و نام صنف آنها به قرار زیر است:

(۱) نانوا: تصویر تکه‌ای نان

(۲) سلمانی: تیغ

۳) پهلوان: یکی از آلات ورزشی

۴) قصاب: یکی از ابزار کار

۵) پالان‌دوز: یکی از ابزار کار

۶) نعل‌بند: نعل

۷) سقا: پیاله آب

۸) پاره‌دوز: نخ و سوزن

۹) چاروادار: تصویر گوسفند

۱۰) لوطی: یکی از ابزار کار

۱۱) درویش: کشکول یا تبرزین

۱۲) مرده‌شور: لیف و صابون

۱۳) روضه‌خوان: تصویر منبر

۱۴) بوچار: الک

۱۵) چاووش‌خوان: یکی از ابزار کار

۱۶) قهوه‌چی: یکی از ابزار کار

۱۷) مرشد یا سخن‌ور: پوست با نشان مخصوص

دقت نظر در نام اصناف مورد نظر نشان می‌دهد که اصناف در ایران ریشه‌ای بس عمیق و کهن داشته‌اند و با وجود بسیاری از تبعیض‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی، این اصناف دارای شکل بودند و به حرمت‌های صنفی اهمیت می‌دادند. از سوی دیگر، طرز نشستن این افراد بر سکوه‌های قهوه‌خانه حاکی از نوعی امتیازات طبقاتی بوده است. از آنجا که قهوه‌خانه‌ها دارای منزلتی اجتماعی بودند، اشعاری نیز در مدح قهوه‌خانه‌ها ساخته شد. اگر چه این اشعار فاقد ظرافت‌های معنایی است، نشان از اهمیت مکان دارد. به عنوان نمونه میرحیدری شاعر سروده است:

مرا در قهوه بودن بهتر از بزم شهان باشد که اینجا میهمان را متی بر میزبان باشد
(فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۷۹)

باید توجه کرد که تاریخ پیدایی قهوه‌خانه در ایران همزمان با حکومت صفویه بوده و با گذشت زمان تغییر و تحولات بسیاری در آن رخ داده است. قهوه‌خانه‌ها در دوره

صفویه بسیار مهم و مجلل بوده‌اند، به گونه‌ای که حتی پادشاهان نیز به آنجا رفت و آمد داشتند و برای این منظور هر قهوه‌خانه دارای یک غرفه بزرگ به نام شاه‌نشین بود. در سیاحت‌نامه شاردن می‌خوانیم که «قهوه‌خانه عبارت از تالارهای بزرگ، وسیع و بلند و به صور و اشکال گوناگون است که معمولاً بهترین پاتوق هر شهری به شمار می‌رفت، چون مرکز اجتماع و محل تفریح سکنه بلاد می‌باشد. با آغاز روز این مراکز افتتاح می‌یابد و طرف غروب بر تعداد اجتماع افزوده می‌شود، در قهوه‌خانه‌ها مردم به صحبت می‌پردازند و خبرهای تازه مطرح می‌گردد و مردم با کمال آزادی و بدون هیچ‌گونه نگرانی از حکومت انتقاد می‌کنند و حکومت نیز از گفتگوی مردم نمی‌ترسد.» (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۱۹)



تصویر ۲. قهوه‌خانه سنتی (اثر محمدرضا حمیدی)

اینکه پیدایش و توسعه قهوه‌خانه را مربوط به دوران صفویه می‌دانند، از این بابت است که هیچ منبع و مأخذ معتبری وجود ندارد که سابقه پیدایی این گونه اماکن را قبل از دوران صفویه نشان دهد. اما از ورای سفرنامه‌های پیترو دلاواله، آدام اولساریوس و نویسندگان دیگری که به عنوان جهانگرد در دوران صفویه به ایران سفر کرده‌اند، این نکته روشن می‌گردد که در این دوران قهوه‌خانه‌ها در ایران رواج کامل داشته است.

نصراالله فلسفی در این باره چنین می‌نویسد:

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۳۷

«در عهد شاه عباس در بیشتر شهرهای ایران مخصوصاً در قزوین و اصفهان قهوه‌خانه‌های متعدد دایر شده بود. در شهر اصفهان قهوه‌خانه‌های معروف بیشتر در اطراف میدان نقش جهان، چهارباغ و بازار قیصریه بود» (فلسفی، ۱۳۷۵: ۳۳۱). از ورای منابع موجود چنین برمی‌آید که تاریخ گشایش نخستین قهوه‌خانه در اصفهان به اواسط دوره صفویه بازمی‌گردد و رواج استعمال تنباکو و قلیان نیز از همین زمان بوده است. (همان، ۱۳۴۲: ۲۷۵)

در این قهوه‌خانه‌ها به قول شاردن، قهوه به طرز بسیار تمیزی به سرعت تمام و احترام کامل تقدیم مشتریان می‌شد. در قهوه‌خانه‌های عهد صفویه گل گاوزبان دم‌کرده با نبات، لیموعمانی، گلاب و نارنج تهیه می‌شد و در دسترس مشتریان قرار می‌گرفت. بی‌تردید در آن دوره، صرف قهوه در این اماکن رواج کامل داشته است؛ اما اینکه از کجا و چه موقع قهوه در ایران شیوع یافت، منابع موجود، اطلاع دقیقی به دست نمی‌دهند. شاید بتوان ادعا کرد که قهوه از برزیل به آسیای جنوبی راه یافته و از این طریق وارد ایران شده است و تا قبل از رواج چای که توسط کاشف‌السلطنه از هندوستان وارد ایران شد، در قهوه‌خانه‌ها به مشتریان قهوه دم‌کرده می‌دادند. نوشیدن قهوه در ایران، از زمان شاه طهماسب اول رواج پیدا کرده است. اما بعد از کشت چای و وفور آن در ایران کم‌کم جای چای قهوه را گرفت و به علت نبود کشت قهوه در ایران، قهوه‌خانه‌ها به چای‌خانه‌ها تغییر نام یافتند. درخت قهوه در حبشه و کشورهای مجاور آن کشت می‌شده است. در بعضی از لغت‌نامه‌ها قهوه را از ریشه واژه اقهاء می‌دانند که به معنای کراحت و بی‌میلی به غذاست و در زبان عرب به معنای شراب سیاه و تلخ و بوی خوش یا ناخوش آمده است.^۱ نوشیدن قهوه در سال ۹۱۷ ه.ق در شهر مکه متداول بوده و در آنجا قهوه‌خانه‌هایی وجود داشته است که به آن «بیوت‌القهوه» می‌گفته‌اند و مردم، از زن و مرد به آنجا می‌رفتند و به تفریحات ساده سرگرم می‌شدند.^۲

۱. قهوه را ظاهراً در قرن نهم هجری (قرن ۱۵ میلادی) از آفریقا به یمن بردند و نخستین بار نوشیدن آن در حلقه صوفیان متداول شد. زیرا نوشیدن آن برای شب‌زنده‌داری‌های ایشان مفید بود.

۲. علی ابن عمر شاذلی نخستین کسی است که قهوه را به عربستان برده و به همین سبب او را محدث‌القهوه خوانده‌اند.

۱۳۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در قاهره نوشیدن قهوه در ده سال اول قرن دهم متداول شد و از آنجا به خاک عثمانی و ایران سرایت کرد و چنانکه پیشتر اشاره شد، اوج و گسترش آن را می‌توان در دوران صفویه مشاهده کرد. در شهر استانبول در زمان سلطنت پادشاهان عثمانی چندین قهوه‌خانه وجود داشته که محل رفت و آمد اقشار مختلف جامعه بوده است.^۱ در قهوه‌خانه‌های ایران امور پذیرایی و اداره قهوه‌خانه معمولاً بر عهده چند نفر بوده است که هر یک کار مشخصی داشتند. این چند نفر عبارت بودند از:

- (۱) قهوه‌چی: صاحب قهوه‌خانه
 - (۲) پای سماوری: مأمور ریختن چای در استکان
 - (۳) وردست: مسئول گذاشتن استکان‌های خالی پیش پای سماور
 - (۴) پادو: مأمور رساندن توصیه‌ها و سفارش‌های قهوه‌چی
 - (۵) بازاررو: عهده‌دار تهیه چای، قند و توتون
 - (۶) قندی: مسئول خرد کردن قند
 - (۷) سرچاق‌کن: مأمور آماده کردن قلیان و چاق کردن چپق^۲
- این افراد معمولاً کار خود را از شغل‌های کوچک‌تر مانند جاروکنشی شروع می‌کردند و به تدریج به مقام‌های ذکر شده در بالا می‌رسیدند. لوازم و اسباب مورد استفاده در قهوه‌خانه‌ها هم دو نوع بوده‌اند:
- الف) وسایلی مانند نیمکت و لوازم نشیمن، سماور، قوری، استکان، لوازم پخت و پز (ناهار)، لوازم تفننی (دود و دم) و لوازم روشنایی.
- ب) لوازم تزئینی؛ چون تابلوهای نقاشی، لوازم درویشی، کشکول، تبرزین، انواع پارچه‌های دستبافت سنتی، پستی‌ها و قالیچه‌های کوچک که برای مفروش کردن نیمکت‌ها به کار می‌رفت. بسیاری از این لوازم، بویژه لوازم مورد استفاده مشتریان

۱. در زمان سلطنت سلیمان‌خان قانونی معاصر با شاه طهماسب صفوی نخستین قهوه‌خانه‌ها در شهر استانبول دایر شد و مرکز اجتماع مردم باذوق شد؛ مخصوصاً شاعران و ادیبان در آن جمع می‌شدند و به خواندن شعر و کتاب یا به بازی نرد و شطرنج خود را سرگرم می‌کردند. (برای اطلاعات بیشتر نک: فلسفی، ۱۳۴۲)

۲. سرچاق‌کن‌ها معمولاً چهار دسته بودند. الف) قلیان‌دارهای خصوصی ب) قلیان‌دارهای قهوه‌خانه ج) قلیان‌دارهای دوره‌گرد د) قلیان‌دارهای حمام. (برای اطلاعات بیشتر نک: بلوکباشی، ۱۳۷۵).

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۳۹

قهوه‌خانه همچون جام، لگنچه، گنجه و پارچه‌های مسی، صنعت و هنر دستی بودند که به نام صنعت «دواتگری» یعنی سماورسازی نیز شهرت داشتند.

قهوه‌خانه‌های معروف

قهوه‌خانه عرب قهوه‌چی در اصفهان (دوره شاه عباس اول)، بابا فراش، جامی یوسف، بابا شمس نیشی کاشی و قهوه‌خانه طوفان از قهوه‌خانه‌های معروف دوران صفوی هستند. قهوه‌خانه‌های مشهور دیگر هم که در محله‌های مختلف تهران دایر شده بودند و مطابق آمار سال ۱۳۵۲، تعداد آنها به ۱۹۰۴ باب می‌رسید و قدمت بعضی از آنها بالغ بر ۱۵۰ سال قبل است، از این قرارند:

۱. قهوه‌خانه شهبازی، بازارچه قوام‌الدوله
۲. قهوه‌خانه حسین دمانندی، خیابان پامنار
۳. قهوه‌خانه ابوالقاسم، خیابان امیرکبیر
۴. قهوه‌خانه حسین چایچی، شهرری
۵. قهوه‌خانه نصرتی، خیابان شیخ هادی
۶. قهوه‌خانه احمد، پاچنار
۷. قهوه‌خانه تلمبه، پامنار، سه راه مروی (بلوکباشی، ۱۳۷۵)

از میان قهوه‌خانه‌های معروف تهران، شهرت قهوه‌خانه قنبر بیش از بقیه بوده است. بانی این قهوه‌خانه یک نفر سیاه^۱ حبشی به نام قنبر بوده است و در آن، سیاهان، دراویش، مداحان و معرکه‌گیرها رفت و آمد داشتند و مجالس قصه‌های مذهبی، مدح و مرثیه رواج کامل داشت. از قهوه‌خانه‌های دیگر، قهوه‌خانه موال آباد و قهوه‌خانه عرش بوده است که به علت واقع شدن در طبقه فوقانی خانه، عرش نامیده شده است. باید توجه کرد که شکل و

۱. باید توجه کرد که در این دوران بخشی از مردم تهران را سیاه‌ها تشکیل می‌دادند و چون صاحب این قهوه‌خانه خود سیاه بوده است، سیاهان به آن رفت و آمد داشته‌اند و مردم عادی تهران آنان را مسخره می‌کردند. صاحب قهوه‌خانه برای اینکه توجه مردم را به موضوع دیگری جلب کند از مداحان فرصت‌شناس و هشیار دعوت می‌کرد که شرح حال قنبر غلام مولا علی(ع) را برای مردم بازگو کند.

۱۴۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ساختمان قهوه‌خانه‌ها در دوران صفوی با دوران حاضر تفاوت‌های بسیار چشمگیری از نظر طرز بنا، ساختمان، تزئینات و تجملات آن داشته است.

معماری قهوه‌خانه‌ها

مطالعه منابع مربوط به دوران صفوی چنین برمی‌آید که در بیشتر شهرهای بزرگ ایران، بویژه در اصفهان و قزوین قهوه‌خانه‌های متعددی دایر شده بود. در شهر اصفهان، قهوه‌خانه‌های معروف بیشتر در اطراف میدان نقش جهان، چهارباغ و بازار قیصریه بود.

ساختمان قهوه‌خانه‌ها در این دوران عبارت از بنای بزرگی بود که در وسط آن حوضی بزرگ وجود داشت. این حوض به طریقی در وسط قهوه‌خانه ساخته می‌شد که همیشه دارای آب روان باشد. در اطراف حوض، سکویی به ارتفاع یک متر وجود داشت که محل نشستن مشتریان قهوه‌خانه بود و معمولاً بین حوض و سکوها فاصله به نسبت زیادی برای اجرای بعضی از مراسم مانند نمایشنامه و غیره احداث می‌شد.

در هر قهوه‌خانه غرفه مخصوصی به نام شاه‌نشین، خاص سلاطین و شاهزادگان وجود داشت. سقف قهوه‌خانه‌ها گنبدی شکل بود و معمولاً هر قهوه‌خانه، چند سقف ضربی (گنبدی) داشت که به وسیله ستون‌هایی از تیر چوبی نگه‌داری می‌شد که سکوی زیر هر یک از این سقف‌ها را طاق‌نما می‌گفتند و طاق‌نماهای مجاور غرفه شاهی، مخصوص رجال و معتمدین بود.

همچنین، هر قهوه‌خانه محلی به نام سردم^۱ داشت که مخصوص نقال یا مرشد یا سخن‌ور قهوه‌خانه بود و کف سکوی آن با پوست بره یا پوست حیوانات دیگر مفروش می‌شد.

تمام دیواره‌های قهوه‌خانه مزین به عکس‌ها و تصاویر مختلفی از پیشوایان دین، پهلوانان، آلات درویشی و علامت‌های مخصوص هفده صنف از اصناف مختلف بوده که به طور خاصی روی دیوار قهوه‌خانه آویخته می‌شد. در این دوران همچنین

۱. در اغلب زورخانه‌ها در ابتدای درب ورودی زورخانه‌ها ساخته می‌شود، محل نشستن مرشد زورخانه می‌باشد که می‌توانسته هم ناظر بر رفت و آمد مردم باشد و هم به گود زورخانه احاطه کامل داشته باشد.

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۴۱

قهوه‌خانه‌ها را وسیع می‌ساختند و دیواره‌های آن سفید و پاکیزه بوده است. درهای قهوه‌خانه از چهار سو به خارج باز می‌شد بیشتر قهوه‌خانه‌ها را به یک صورت و یک اندازه پهلوی یکدیگر می‌ساختند، چنان که میان آنها هیچ‌گونه دیوار و پرده‌ای نبود و از درون هر یک، قهوه‌خانه دیگر نیز دیده می‌شد و چنان می‌نمود که آنها یک دستگاه هستند (فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۷۵). طاق‌نماها و شاه‌نشین‌های اطراف قهوه‌خانه با قالی و فرش‌های دیگر مفروش می‌شد و در آنجا همه بر روی زمین می‌نشستند.

شاردن می‌نویسد، در بسیاری از قهوه‌خانه‌ها سکویی وجود دارد که ارتفاع آن سه پا و پهنای آن چهار پا و برحسب وسعت محل است و چوب‌بستی وجود دارد که مردم به شیوه مشرق زمین در روی آن می‌نشینند. شب‌ها، چراغ‌های فراوانی را که از سقف قهوه‌خانه آویخته بود، می‌افروختند. در میان قهوه‌خانه، حوض بزرگی بود که در شب، انعکاس چراغ‌های سقف و چراغ‌های دیگری که در اطراف حوض می‌گذاشتند، در آن پیدا می‌شد و چون آسمانی پرستاره به نظر می‌رسید. (۱۳۴۵: ۷۵)

نقش اجتماعی قهوه‌خانه‌ها

قهوه‌خانه‌های ایران در دوران صفوی مرکز سرگرمی و میعادگاه شاعران و هنرمندان و اهل دل بوده است؛ سخنوران و ادیبان همه روزه در آنجا جمع می‌شدند و اشعار خود را برای یکدیگر می‌خواندند. به عبارتی، قهوه‌خانه‌ها در این دوران در واقع شبیه تالارهای موجود در اروپا بوده است که هنرمندان و ادیبان در آن جمع می‌شدند و آثار خود را عرضه می‌کردند. با این تفاوت که قهوه‌خانه‌های ایران، همچنین پاتوق و میعادگاه هزاران کارگر، کارفرما، هنرمند، نقاش، نقال و دیگر اصناف بوده است. آنان با سادگی و بی‌پیرایگی، حرف‌ها و خاطرات و نشیب و فرازهای زندگی خود را در این اماکن بیان می‌کردند.

به گفته شاردن جهانگرد فرانسوی، این مراکز بهترین محل تجمع افراد مختلف اجتماع بوده است. او همچنین اشاره می‌کند که در قهوه‌خانه‌ها مردم به صحبت می‌نشینند و حرف‌های آنان در واقع درس‌های اخلاق است (۱۳۴۵، ج ۴: ۲۷۶). در این مکان‌ها مردم از هر طبقه و قشری که بودند با افراد مورد علاقه خود وعده ملاقات می‌گذاشتند و

کسانی که خواستار دیدارشان بودند، به همین محل‌ها مراجعه می‌کردند. خیل بی‌شماری از اقشار مردم، اوقات فراغت خود را در این قهوه‌خانه‌ها می‌گذراندند و ضمن تبادل نظرها و کسب اخبار، به شنیدن داستان‌هایی از شاهنامه، کتب مذهبی و حکایات دلپذیر عاشقانه که در ادبیات فارسی فراوان یافت می‌شود و از سوی نقال اجرا می‌شد، مشغول می‌شدند و چنین بود که نقاشی قهوه‌خانه با توصیف نقال از وقایع مختلف شکل گرفت و هنری به وجود آمد که آن را نقاشی عامیانه، ایوانی یا قهوه‌خانه‌ای خواندند.

قهوه‌خانه‌ها در گذری نه چندان بلند از روزگار (قریب به ۴۰۰ سال)، علاوه بر کارکردهای پیشگفته، نقش‌ها و وظایف خاصی را براساس تحولات فرهنگی و اجتماعی و متناسب با آن تغییرات، بر عهده داشته‌اند. چنانکه در ابتدا مکانی برای تفریح و گذراندن اوقات فراغت بوده و بعدها محلی برای هنرمندان، صنعتگران، ناراضیان سیاسی و تجمع مردمی از صنف‌های مختلف جامعه شده است.

اهمیت قهوه‌خانه‌ها بدان حد بود که شاه عباس گاه میهمانان عالی‌قدر و سفیران بیگانه را نیز با خود به قهوه‌خانه‌ها می‌برد و از ایشان در آنجا پذیرایی می‌کرد: «در شب پنج‌شنبه هفتم رجب سال ۱۰۲۸ هجری قمری سفیر پادشاه هندوستان و سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا و سفیران دولت عثمانی و روسیه و گروهی از کشیشان عیسوی که از جانب پاپ روم به اصفهان آمده بودند، در یکی از قهوه‌خانه‌های میدان نقش جهان مورد پذیرایی قرار گرفتند.» (فلسفی، ۱۳۷۵: ۸۹-۹۳)

گزارش دیگری حاکی است که شاه صفوی، سفیران را در جایگاه‌های مخصوص و طاق‌نماها نشاند و سپس فرمان پذیرایی داد.

دون گارسیا، سفیر اسپانیا در سفرنامه خویش از اینکه شاه عباس او را در قهوه‌خانه پذیرایی کرده است، خشمگین و ناخرسند بوده است و به طعنه می‌نویسد که شاه ایران در چنان مکان پرافتخاری از سفیران بیگانه پذیرایی کرد. (همان)

در تذکره نصرآبادی، در تعریف وضعیت قهوه‌خانه‌ها و مردمانی که در آن رفت و آمد داشته‌اند و بیان حال نویسنده چنین آمده است: «از غلط نهادن کج‌اندیشه کناره جسته، در حلقه درست‌کیشان راست‌آیین درآمده و در قهوه‌خانه رحل اقامت انداختم. تبارک‌الله از آن مجمع. جمعی باقر علوم نظری و یقینی و گروهی حاوی موسیقی و

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۴۳

ترجمان اصول و فروع دین. از تجلی طبعشان ساحت قهوه‌خانه وادی موسی و معنی در خاطرشان مقارنه خورشید و مسیحا. بعضی به نظم اشعار جان را به گوشوار لآلی آبدار مزین می‌ساختند و قومی در ترتیب، معمای زلف خوبان را در پیچ و تاب می‌انداختند. سرعت نظمشان به مرتبه‌ای که تا نام بیت برده بودی معمار خاطرشان به دستکاری ستون خامه به عمارت آن می‌پرداخت.» (۱۳۷۸: ۴۶۰)

از مضمون نوشته نصرآبادی چنین برمی‌آید که قهوه‌خانه‌ها محل رفت و آمد تمامی هنرمندان و شاعران و محل ادیبان و هنرمندان بوده است. بعضی از اشعار باقی مانده از همین شاعران قهوه‌خانه‌نشین اگر چه در مدح قهوه است، ولی جایگاه و نقش این اماکن را در جامعه نشان می‌دهد:

راحیست قهوه روح‌فزا و کسل‌گسل آرام جان و قوت اعضا و قوت دل
تقریب اجتماع جوانان پارسا تفریح بخش خاطر پیران مضمحل
بی‌تردید این‌گونه اشعار، اگرچه از ظرافت‌ها، نکات بدیعی و کلام بی‌بهره است، با این حال می‌توان از ورای آن به جایگاه خاص قهوه‌خانه پی برد.

سید محمدحسین خراسانی در کتاب *مخزن‌الادویه* در توصیف قهوه و خاصیت آن مطالب جامعی نگاشته است. از جمله یادآور می‌شود که اول کسی که نوشیدن قهوه را معمول کرد، شیخ ابوالحسن شاذلی بوده است که به مریدان خود در کوهستان‌های یمن خوردن قهوه را تجویز کرد.

گفتنی است، اقبال مردم به قهوه‌خانه‌ها و نوشیدن قهوه و تبادل افکار، اندیشه‌ها و احیاناً به وجود آمدن ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی باعث شد که نه تنها در ایران بلکه در قاهره و عثمانی نیز فتوایی در حرام بودن قهوه صادر شود و بعضی قهوه‌خانه‌ها ویران و بسته شود.

باید قبول کرد که اهمیت اجتماعی این اماکن در آن دوران به حدی بوده است که تمامی اقشار اجتماع به آن رفت و آمد داشته‌اند. به طوری که در زمان صفویه، اداره قهوه‌خانه، یکی

از مشاغل معتبر ملی به شمار می‌رفت.^۱ از بررسی منابع موجود چنین برمی‌آید که نوشیدن قهوه در بخش‌هایی از عربستان تا قرن هشتم هجری معمول نبوده و حتی به حرمت آن نیز فتوا داده شد که بعدها نوشیدن آن حلال اعلام گردید. حتی سلطان عثمانی (مراد چهارم) در سال ۱۰۴۹ میلادی قهوه را حرام اعلام کرد و تمامی قهوه‌خانه‌ها را ویران ساخت. اما بعدها وضع دگرگون شد و این اماکن رواج زیادی یافت.

از اواخر حکومت صفویه به بعد وضع قهوه‌خانه‌ها رو به افول گذاشت و حتی حکومت‌ها مانع از گسترش آن شدند؛ چرا که قهوه‌خانه‌ها مرکز اجتماع و محفل مردم کوچک و بازار و تجارت و کسبه شده بود و صاحبان این اماکن در نظر مردم اعتبار و حیثیتی داشتند.



تصویر ۳. تابلوی گل‌ریزان در قهوه‌خانه سنتی (اثر محمد حمیدی)

در اواخر حکومت ناصرالدین شاه هنوز اعتبار صاحبان قهوه‌خانه‌ها زیاد بود؛ به طوری که آنان در مجامع رسمی و سایر امور شرکت می‌کردند. منابع دوران قاجار از جمله خاطرات حسن مستوفی نشان می‌دهد که بعضی از صاحبان قهوه‌خانه‌ها همچون عمو فیض‌الله که بزرگ قهوه‌چیان آن زمان بود، در مراسم اسب‌دوانی رسمی که در حضور شاه انجام می‌شد، شرکت کرد و برنده نیز گردید. اما شاه به جای اعطای جایزه، مالیات سالانه قهوه‌چی‌ها را سه هزار تومان اضافه کرد (مستوفی، ۱۳۹۸). به هر حال

۱. تا چند سال پیش قهوه‌چی‌ها در واقع ریش‌سفید و کلانتر محل شناخته می‌شدند، و حتی در دربار عثمانی شغل قهوه‌چی‌باشی یکی از مشاغل دولتی بود.

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۴۵

صنف قهوه‌چی به علت موقعیت اجتماعی خاصی که پیدا کرده و دگرگونی‌هایی که از هر نظر به وجود آمده بود، دست به تشکیل اتحادیه زد و بعدها نمایندگان قهوه‌چی‌ها توانستند فعالیت‌هایی در زمینه منافع صنفی خود داشته باشند.

قهوه‌خانه‌ها به مثابه محفلی فرهنگی

قهوه‌خانه‌ها در دوران صفوی بیشتر به تالارهای هنری و ادبی شبیه بوده است تا به مکانی فقط برای نوشیدن قهوه یا چای، این برداشت از آنجا به دست می‌آید که طبقات مختلف مردم از اعیان و رجال دربار و سران قزلباش تا شاعران و اهل قلم و نقاشان و معرکه‌گیران برای گذراندن وقت به آنجا می‌رفتند و ضمن دیدار دوستان، خود را به بازی‌های مختلف یا مناظرات شاعرانه و شنیدن اشعار شاهنامه و حکایات و قصص و تماشای رقص‌های گوناگون و بازی‌ها و تفریحات دیگر سرگرم می‌ساختند.



تصویر ۴. تابلوی نماز باران (اثر محمد خلیلی از نقاشان دوران معاصر)

شاه عباس به علت علاقه‌ای که به حضور در قهوه‌خانه‌ها داشت، شخصاً در چهارباغ اصفهان قهوه‌خانه بابا شمس تیشی را بنا کرد و بابا شمس که خود نوازندگی، خوانندگی، کشتی‌گیری و طاس‌بازی را کاملاً فرا گرفته بود، در این قهوه‌خانه مردم را سرگرم می‌ساخت. در واقع، در قهوه‌خانه‌ها کار ساز و آواز رواجی کامل داشت و این

۱۴۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

یکی از آداب متداول در قهوه‌خانه‌ها بود. باباشمس تصنیف‌های دلپذیر می‌ساخت و با ساز و آواز اجرا می‌کرد.

شاعران نیز که به قهوه‌خانه‌ها رفت و آمدی دایمی داشتند، آثار خود را در این اماکن عرضه می‌کردند. به این اعتبار، این اماکن را می‌توان نوعی تالار ادبی دانست. در قهوه‌خانه طوفان که میعادگاه شاعران و دلباختگان بود، جوان خوب‌رویی به نام طوفان خدمت می‌کرد که بسیاری از شاعران از جمله مظفر حسین کاشانی در مدح او اشعاری سروده‌اند:

در قهوه طوفان که سر خوبانست صد عاشق پاشکسته سرگردان است
آن رفت «مظفر» که سمندر بودی مرغابی شو که کار با طوفان است

از این اشعار چنین برمی‌آید که شاعران شعر خود را در این اماکن عرضه می‌کردند و به هر حال چون تمامی اقشار مردم به این محل‌ها رفت و آمد داشتند، شهرت شاعر نیز زبانزد همگان می‌گردید.

علاوه بر شاعران، نقالان نیز در قهوه‌خانه‌ها رفت و آمد داشتند و یکی از آداب متداول در این اماکن شاهنامه‌خوانی بوده است. شاهنامه‌خوانان که اغلب خود شاعر و ادیب بودند، در کار خود بسیار مهارت داشتند. شاه عباس نیز به شاهنامه علاقه بسیار داشت و در مجلس او نقالان و شاهنامه‌خوانان سخن‌شناس و خوش‌آهنگ شاهنامه می‌خواندند. از شاهنامه‌خوانان معروف، یکی *عبدالرزاق قزوینی* بوده است که خطی خوش داشت و خوشنویسی می‌کرد و سالی سیصد تومان حقوق می‌گرفت. دیگری ملا بی‌خودی گناوی است که در شاهنامه‌خوانی مشهور بود و سالی چهل تومان حقوق داشت. از شاعران دیگری که در قهوه‌خانه‌ها شاهنامه می‌خواندند، یکی *ملا مؤمن کاشی* معروف به یکه‌سوار بود که وضع و لباس و اطوار خاص داشت و قبایی با حاشیه‌های ملون می‌پوشید و طوماری به سر می‌زد و بدین وضع قهوه‌خانه‌ها می‌رفت و شاهنامه می‌خواند و آنچه از این راه نصیبش می‌شد، به درویشان و مستمندان می‌داد. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۶: ۹۶)

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۴۷

به جز شاهنامه‌خوانان، شاعران و قصه‌گویان و نقالان و مداحان و پرده‌خوانان، نقاشان نیز به قهوه‌خانه‌ها رفت و آمد داشته و گفتارهای دینی و قصه‌گویی و نقلی رسمی رایج و متداول بوده است. از قصه‌گویان معروف یکی میرزاحمد فارسی بود که در قهوه‌خانه‌ها داستان حمزه را می‌خواند. معمولاً نقالان، قصه‌گویان و مداحان در میان مجلس بالای منبر یا چهارپایه‌ای می‌ایستادند و شعر می‌خواندند یا نقل می‌گفتند و عصایی را که در دست داشتند، به وضعی خاص حرکت می‌دادند. به علاوه ملایان، درویشان و شاعران به نوبت قطعات یا داستان‌های منظوم یا مثنوی در قهوه‌خانه‌ها می‌خواندند و سخنان آنان در واقع درس اخلاق بود. اما هیچ‌کس مجبور نبود که به دقت این سخنان را گوش کند. اما کسی هم گفتار داستان‌سرا را قطع نمی‌کرد.

در قهوه‌خانه‌ها اغلب اوقات اتفاق می‌افتد که دو یا سه نفر ناطق در آن واحد، هر یک در گوشه‌ای به سخن می‌پردازد یا نقلی می‌کند. خلاصه در این مراکز حد اعلای آزادی موجود در جهان وجود داشت. (عقیلی علوی خراسانی، ۱۸۴۴)

براساس شواهد و مدارک موجود در منابع و مآخذ این دوران، بویژه در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی که در کتب خود از قهوه‌خانه و طرز بنای آن و آداب متداول در آن گفتگو به میان آورده‌اند، چنین برمی‌آید که هنگام سخنرانی نقالان یا قصه‌گویان یا مداحی مداحان کسی معترض آنان نمی‌شد و هر کس به سخن کسی که مایل بود، گوش می‌داد و معمولاً سخنرانی‌ها چنین خاتمه می‌یافت.

انواع بازی‌ها در قهوه‌خانه

همچنین، آداب ساز و آواز و نیز بازی‌هایی چون، شطرنج، تخته نرد، گنجفه، تخم‌مرغ‌بازی و امثال آن در قهوه‌خانه‌ها رواج داشته است. رواج این گونه آداب و رسوم تا آنجا توسعه یافت که در زمان شاه عباس دوم و به توصیه وزیر اعظم او، انجام بازی‌های شطرنج، گنجفه و تخم‌مرغ‌بازی ممنوع شد. بازی گنجفه با ورق‌هایی که از چوب ساخته شده بود، انجام می‌شد و تصاویر روی این ورق‌ها را نقاشان زبردست می‌کشیدند. ظاهراً تعداد اوراق گنجفه نود عدد بوده و هشت رنگ مختلف داشته است. ملا واهب قندهاری از شاعران دوره صفویه در بیت زیر به آن اشاره می‌کند و می‌گوید:

مانند آن ورق که ز سر وا کند کسی حسنت به چرخ گنجفه داد آفتاب را
(فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۸۱)

بازی پیچاز هم که تا مدت‌ها قبل رواج داشت، روی پارچه ماهوت شبیه به صفحه شطرنج انجام می‌شد که روی آن با مهره‌هایی از گوش‌ماهی بازی می‌کردند. از بازی‌های رایج دیگر، تخم‌مرغ بازی بوده که هم اکنون نیز در برخی نقاط رایج است. از سرگرمی‌های دیگر و آداب متداول، برنامه مشاعره بوده است که هر کس به سهم خود شعری می‌خواند و سعی می‌کرد تا دیگران را ببندد و کسی که دیگران را می‌بست، قهرمان شناخته می‌شد. تُرنا بازی و دوز بازی نیز رایج بوده است. بعدها در قهوه‌خانه‌ها معمول شد که گودی شبیه به حوض - مانند گود زورخانه - می‌کنند بدون اینکه در آن آب بیندازند. بعد چند نفر وارد این گود می‌شدند و به تقلید از شناگران روی خاک کف گودال، پُشتک و وارو می‌زدند. شنیدن داستان‌های حماسی نیز کاملاً رایج بوده است و بسیاری از مردم برای شنیدن داستان‌های شاهنامه به آنجا می‌رفتند. بدین ترتیب بود که قهوه‌خانه‌ها محلی شد برای بیان بسیاری از اندیشه‌ها و افکار؛ چه در قالب شعر و چه در قالب خطابه و وعظ.

نقاشی قهوه‌خانه

در این دوران رسم رایج این بود که در و دیوار قهوه‌خانه‌ها را با تابلوهای گوناگون تزئین کنند. علاوه بر نصب علامات هفده‌گانه اصناف مختلف که ذکری از آن در صفحات قبل به میان آمد، در و دیوار قهوه‌خانه‌ها هم با تبرزین و شمشیر و کَشکول و ابزار و آلات پهلوانی و درویشی تزئین می‌شد و هم با تابلوهای نقاشی که زینت‌دهنده در و دیوارها بودند. این تابلوها که بیشتر به سفارش صاحبان قهوه‌خانه‌ها کشیده می‌شد، براساس توصیف و نقل نقالان بوده است؛ بدین معنا که به هنگام توصیف نقال از وقایع مذهبی، حماسی و بزمی، نقاش که خود در قهوه‌خانه حضور داشت، فی‌البداهه به کشیدن این تابلوها اقدام می‌کرد. به دلیل تجسماتی که نقالان چیره‌دست و سخنوران مداحان کهنه‌کار از داستان‌ها و ماجراهای واقعی و افسانه‌های حماسی و مذهبی برای شنوندگان قهوه‌خانه‌ها پدید می‌آوردند و به دلیل مهارت و هوشیاری که در این کار از

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۴۹

هنرستان

شماره ۶۰ بهار ۱۳۹۹

خود بروز می‌دادند و چهره قهرمانان و مشاهیر به صورت زنده در ذهن شنوندگان که اکثراً مردم کوچه بازار بودند، شکل می‌گرفت، گروهی نقاش و هنرمند که خود نیز سال‌ها شنوندگان داستان‌ها و حکایات نقالان بودند، با توجه به علاقه قهوه‌چی‌ها به ترسیم خیالی این نوع حکایات مبادرت می‌کردند. بدین ترتیب آثاری به وجود آمد که اگرچه تابع قوانین خاص هنری نبود، موجب پیدایش سبکی شد که ما از آن به عنوان نقاشی قهوه‌خانه یا نقاشی عامیانه یا نقاشی ایوانی و دیواری یاد می‌کنیم. باید توجه کرد که شیوه توصیف نقالان از چهره قهرمانان داستان‌ها و حکایات مذهبی و حماسی اگرچه تا حدی به مهارت آنان در نقل وقایع ارتباط داشت، با این حال علاقه و خاستگاه‌های فکری و عقیدتی مردم در شیوه بیان آنان بسیار مؤثر بوده است. مردم دوست داشتند که رستم را با یال و کویال مهیبی ببینند و مظلومیت و پاکی بزرگان دین را مشاهده کنند. به هر حال این هنرمندان نقاش که معمولاً تعدادشان از بیست نفر تجاوز نمی‌کرد، در کشیدن پرده‌های نقاشی به معیارها و مقیاسی که نقال ضمن شرح ماجراها، به آن شاخ و برگ می‌داد، توجه کافی مبذول می‌داشتند. این آثار بعدها به نقاشی قهوه‌خانه معروف شد؛ به این لحاظ که نقاشان در کنار نقال در قهوه‌خانه‌ها می‌نشستند و براساس داستانی که می‌شنیدند، تابلوهایی به وجود می‌آوردند.



تصویر ۵. ورود امام رضاع) به نیشابور (اثر استاد محمد حمیدی)

موضوع بیشتر این تابلوها مضامین حماسی، بزمی و مذهبی بود و اغلب آنها در همان قهوه‌خانه‌ها و برای تزیین به دیوار نصب می‌گردید. تذکر این نکته ضروری است که نقاشی قهوه‌خانه را اگر چه نمی‌توان با معیارهای متداول آثار هنری سنجید، اما بی‌گمان باید آن را از پربارترین و اصیل‌ترین آثار هنر و فرهنگ ملی این سرزمین دانست. در این تابلوها، چهره قهرمانان و مشاهیر به صورت زنده در ذهن شنوندگان که اکثراً مردم کوچه بازار بودند شکل می‌گرفت. از جمله تصویر رستم با یال و کوپال و گریزی در دست با جامه‌ای رزمی و ریشی فراوان کشیده می‌شد. یا چهره سهراب به صورت جوانی خوش‌سینما و قوی‌بنیه، تصویر گشتاسب، اشکبوس و حسین کرد شبستری هر یک به گونه‌ای که از دهان نقال شنیده می‌شد و در ذهن شنونده تجسم می‌یافت، به تصویر درمی‌آید. سیمای بزرگان اسلام از جمله حضرت علی(ع)، امام حسین(ع)، امام حسن(ع)، امام رضا(ع) و ابوالفضل(ع) را آن طور که از دهان سخنوران و مداحان و مرثیه‌خوانان شنیده بودند، نقش می‌زدند. از آن سو، شمر، یزید، مأمون و هارون الرشید را به دلیل اعمال زشتی که انجام داده‌اند، به طرز دیگری به تصویر در می‌آوردند و چهره آنان بسیار زشت ترسیم می‌شد، در حالی که تصاویر واقعی به طور حتم با آنچه که در ذهن مردم شکل گرفته بود، اختلاف فاحشی داشت. علاوه بر موضوعات مذهبی، حماسی و بزمی، مضمون بسیاری از تابلوها، پند و اندرزهای اخلاقی و اشعار بزرگان از جمله حافظ و سعدی بوده است. نکته جالب این است که نه تنها صاحبان قهوه‌خانه‌ها بلکه مردم عادی نیز قهرمانان این اشعار و حماسه‌ها را به خوبی می‌شناختند و برای آنها احترام زیادی قائل بودند. اکثر این تابلوها اصالت کار و جلوه‌هایی از زندگی شرقی و فضا و محیط را نشان می‌داد و همین خود باعث جلب توجه می‌شد.

در خاتمه این بحث لازم است یادآوری شود که رواج‌دهندگان و سفارش‌دهندگان این گونه تابلوها بیشتر صاحبان قهوه‌خانه‌ها بوده‌اند و نقاشان در طی مدتی که به کشیدن تابلو مشغول بودند، در محل قهوه‌خانه زندگی می‌کردند و هزینه غذا و لباس و امور دیگر زندگی آنها به عهده قهوه‌چی بود. جالب اینکه گاهی اوقات نقاش، تابلوها را با ذکر نام سفارش‌دهنده رقم می‌زد و حتی گاهی تصویر صاحب قهوه‌خانه را هم در

قهوه‌خانه و آداب متداول در آن ❖ ۱۵۱

گوشه و کنار تابلو می‌کشید. دقت نظر در بسیاری از این تابلوها نشان می‌دهد که قهوه‌چی مایل بوده است تصویر او در کنار قهرمانان این تابلوها ترسیم شود و چنین است که ما قهوه‌چی را در کنار شمایل مقدسین مانند سلمان فارسی یا قنبر، غلام وفادار مولا علی (ع) یا یکی از اصحاب امام مشاهده می‌کنیم که به دستور صاحب کار نقاشی که همان قهوه‌چی بوده است، ترسیم شده است. به طور خلاصه باید گفت که ارزیابی این پرده‌ها از جنبه‌های مختلف، ممکن است با معیارهای رایج سنجش هنری، قابل تبیین و تفسیر نباشد، اما نباید فراموش کرد که نقاشان قهوه‌خانه در واقع بازماندگان واقعی نقاشان باسابقه و صاحب سبک سنتی ایران بوده‌اند و در حقیقت کار آنان را باید پیونددهنده هنر کهن ایران به نقاشی قهوه‌خانه بدانیم.

جمع‌بندی

قهوه‌خانه از زمان شکل‌گیری تا به امروز کارکردهای مختلفی داشته است. در گذشته، این مکان، مکانی منحصربه‌فرد برای اجتماع مردان تلقی می‌شد که می‌توانستند در آن دور هم بنشینند و اوقات فراغت خود را سپری کنند. در دوران رونق قهوه‌خانه‌ها این نهاد سنتی محفلی برای ارائه هنر و مهارت مردان بود. ادیبان و شاعران، نگاشته‌هایشان را می‌خواندند؛ وعاظ با استفاده از نقل داستان، پند و اندرز می‌دادند؛ نقالان، شاهنامه می‌خواندند؛ نقاشان، نقاشی‌هایشان را عرضه می‌کردند و صنوف مختلف برای گرفتن کار در آنجا حاضر می‌شدند و مردم برای برآوردن احتیاجاتشان به آنجا مراجعه می‌کردند. به طور کلی این فضا، فضایی عمومی برای جامعه سنتی زمان خودش بود. در مقاله حاضر، به جز ادیبان و شاعران و وعاظ، به حضور هفده صنف در این مکان اشاره شده است. بررسی اسناد مختلف نشان می‌دهد که اجتماع این مردان در گذشته تحولات فرهنگی و اجتماعی را در ایران آن زمان رقم زده است تا جایی که قهوه‌خانه به محلی برای ابراز نارضایتی سیاسی تبدیل شده بود و مردم برای تبادل افکار و اندیشه‌ها به آنجا مراجعه می‌کردند و اخبار را پی می‌گرفتند. قهوه‌خانه‌ها، معماری خاصی نیز داشتند؛ اغلب در وسط آنها حوضی وجود داشت که در آن آب روان جریان پیدا می‌کرد. در اطراف حوض سکوهایی تعبیه شده بود که محل نشستن مشتریان بود.

۱۵۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

برنامه‌های مختلف هم در اطراف این حوض اجرا می‌شد. یکی از برنامه‌های متداول در قهوه‌خانه‌ها، نقالی و شاهنامه‌خوانی بود که نقالان، به وسیله نقاشی‌هایی که روی پارچه‌ها کشیده شده بود، نقل‌های خود را عرضه می‌کردند. به طور کلی، قهوه‌خانه‌ها نهادهایی سنتی به شمار می‌روند که در گذشته به مثابه فضایی اجتماعی، کارکردی جمعی یافته بودند؛ چنانکه مطالعات مردم‌شناختی نیز نشان می‌دهد که بسیاری از تحولات فرهنگی و اجتماعی آن روزگار، ریشه در رفت و آمد مردان در این مکان داشت.

منابع

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۶). شاهنامه آخرش خوش است. چ ۸، تهران: نشر علم.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۵). قهوه‌خانه‌های ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). سیاحتنامه. ترجمه محمد عباسی، ۱۰ جلدی، تهران: امیرکبیر.
- عقیلی علوی خراسانی، محمدحسین (۱۸۴۴). مخزن‌الادویه. کلکته: بی‌نا.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۲). چند مقاله تاریخی و ادبی. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۵). زندگانی شاه عباس اول. ج ۲، تهران: نگاه.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۹۸). شرح زندگانی من. ج ۲، چ ۷، تهران: زوار.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. چ ۳، تهران: زرین.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸). تذکره نصرآبادی. یزد: چاپ احمد مدقق یزدی.
- نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی. تهران: کتابفروشی خیام.